

بررسی نقش حوزه و روحانیت در دفاع مقدس

سیدحمیدرضا موسوی^۱

چکیده

حوزه‌های علمیه شیعه همواره در طول تاریخ در برابر حاکمیت طاغوت و ظلم ایستاده است؛ به طوری که در تمام انقلاب‌های مردمی و قیام‌ها، غالباً یک یا چند عالم شیعه، در رأس یا جزئی از ارکان اصلی قیام بوده است. با توجه به تأثیر حوزه‌های علمیه و روحانیت در بسیاری از جریان‌های اجتماعی و سیاسی ایران، این پژوهش به دنبال آن است که ضمن مروری بر اقدامات حوزه‌های علمی در قبل از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، زوایای گوناگون نقش حوزه و روحانیت را در هشت سال دفاع مقدس بررسی کند. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده به روش توصیفی - تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان داد که به طور اعم، نقش حوزه‌های علمیه و علماء و بزرگان دین غالباً در سه محور صدور فتوا، حضور در میدان جنگ و پشتیبانی مالی بوده که برحسب نوع خطری که از جانب استعمار متوجه مسلمانان می‌شد، با توجه به نقاط قوت و ضعف مسلمانان و نیز با درک شرایط زمانی، اقدام مناسب را انجام می‌دادند و به طور اخص، در دوران دفاع مقدس، از طریق رهبری در جنگ، تشکیل بسیج همگانی، کمک به ایجاد و تقویت روح ایثار و شجاعت، تقویت روح ایمان، مشروعیت دادن به جنگ و تشویق مردم به حضور در دفاع مقدس به ایفای نقش پرداختند.

واژگان کلیدی

حوزه، روحانیت، رهبری، دفاع مقدس.

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، قدرت‌های شرق و غرب که با گفتمان سومی در جهان به نام «انقلاب اسلامی» مواجه شدند که شعارش نه غرب و نه شرق، بلکه اسلام بود. همین گفتمان کافی بود که آن‌ها احساس کنند که منافع و موجودیتشان به خطر افتاده است لذا علی‌رغم اختلافات فراوانی که باهم داشتند برای حفظ منافع مشترک خود، تصمیم گرفتند که بر سر نابودی آن اختلافاتشان را کنار گذاشته و هم قسم شدند تا از فراگیری و الگو شدن آن جلوگیری کنند؛ از این رو می‌بینیم که بیش از ۸۰ کشور جهان بانگیزه‌های مختلف در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرند و با حمایت بی‌دریغ از مزدوران داخلی و کمکی تمام‌عیار به ارتش بعث عراق، جنگ را بر ما تحمیل می‌کنند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، وب‌سایت).

رژیم بعث عراق هم با سرسپردگی استکبار جهانی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به این امید که درخت نوپای انقلاب اسلامی را از ریشه بخشکانند و چندروزه ایران را اشغال نمایند به ایران حمله کرد و جنگی را آغاز نمود که با مقاومت آحاد مردم به مدت هشت سال به طول کشید (همان منبع).

تحمیل جنگ هشت‌ساله به ایران، باعث شد تا مردم ایران اسلامی، بار دیگر اتحاد و حرکت در مسیر اسلام را به رخ جهانیان بکشند. مردمی که برای زیستن در زیر سایه اسلام، بهای سنگینی پرداخته بودند و در این عرصه نیز، بالیامانشان چنان به مقاومت خود بعد معنوی بخشیدند که از دل این سختی، ارزش‌هایی چون شرافت، ایمان، عشق، شجاعت، تدبیر و ایثار به کمال رسید. هشت سال دفاع مقدس، حدیث ماندگار پایداری، دلاوری و فداکاری ملتی بود که در راه دفاع از مکتب، انقلاب و میهن اسلامی خویش، به رهبری امام خمینی رحمه الله علیه و همراهی حوزه و روحانیت مبارز در میدان، قله‌های بلند رشادت و شهادت را درنوردید و با بذل جان و مال، دشمن را در رسیدن به اهداف خود ناکام گذاشت.

در این مقاله سعی شده به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که حوزه و روحانیت در هشت سال دفاع مقدس چه نقشی داشته است و زوایای گوناگون آن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. لذا در این مقاله بعد از مقدمه، روش‌شناسی پژوهش تشریح شده سپس به مروری بر مطالعات انجام‌شده در این زمینه پرداخته شده است و در پایان هم ضمن تحلیل و بررسی موضوع و بحث و نتیجه‌گیری حاصل از پژوهش اشاره شده است.

روش پژوهش

از آنجاکه در این پژوهش داده‌ها بر اساس شواهد توصیفی از رویدادهای تاریخی و مستندات علمی مرتبط گردآوری و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از ابزار فیش‌برداری با رویکرد کتابخانه‌ای استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در خصوص نقش روحانیت در هشت سال دفاع مقدس انجام شده است که در ادامه مطالب، برخی از آن‌ها مورد تتبع قرار خواهد گرفت. لذا در این پژوهش نخست پیشینه حوزه و روحانیت در جهاد و شهادت قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و انقلاب‌های مردمی آن دوران بررسی می‌شود و سپس نقش آنان در رهبری انقلاب اسلامی و استحکام بخشیدن پایه‌های نظام نوپای این انقلاب تبیین می‌شود و در پایان نقش این قشر را در هشت سال دفاع مقدس از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهد.

حوزه و روحانیت، پیشینه جهاد و شهادت در مبارزات قبل از سال ۱۳۵۷

حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، در مقابله با حاکمیت طاغوت و ظلم، خوش درخشیده چنانچه در تمام قیام‌ها و جنبش‌های قبل از انقلاب، نقش یک یا چند عالم شیعه که رهبری قیام را بر عهده داشته و یا در آن نقش‌آفرین بوده و تا پای جان در این راه ایستادگی کرده‌اند مشاهده می‌کنیم. امام خمینی (رحمه الله علیه) در این زمینه می‌فرماید «در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بودند که بر تارک جبین شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی اسلامی را سراغ داریم که در آن حوزه و روحانیت پیشکسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگ‌فرش‌های حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۷۴).

با گذری بر تاریخ سده‌های اخیر می‌توان به شهادت میرزا کوچک خان در نهضت جنگل، شیخ محمد خیابانی در قیام مردم تیزیز، قیام میرزای شیرازی بزرگ در نهضت تحریم تنباکو، آخوند خراسانی در جنبش مشروطه، آیت‌الله کاشانی در نهضت ملی شدن نفت و در آخر قیام امام خمینی (رحمه الله علیه) در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اشاره نمود. در طول تاریخ تشیع؛ شهادت فقیهان و عالمان بزرگواری چون شهید اول و شهید ثانی و شیخ فضل‌الله نوری و سید حسن مدرس و... گواهی بر پیشسازی روحانیت در مبارزه با استبداد و حاکمی از موضع قاطع آنان در برابر حاکمان ظالم عصر خویش است.

مبارزات و جهاد علما و بزرگان دین در سه محور؛ صدور فتوا، حضور در میدان جنگ و پشتیبانی مالی بود که برحسب نوع خطری که از جانب استعمار متوجه مسلمانان می‌شد و متناسب با قوت و ضعف مسلمانان و نیز با درک موقعیت زمانی صورت می‌گرفت که از جنبه صدور فتوا، بیشترین فتاوی جهادی مراجع بزرگ شیعه مربوط به آیات عظام سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، آخوند خراسانی، میرزا حسن شیرازی، میرزا محمدتقی شیرازی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید مصطفی کاشانی، میرزای قمی و شیخ جعفر کاشف الغطا می‌باشد. از لحاظ پشتیبانی مالی، به کمک مالی میرزای شیرازی به رزمندگان در مقابله با انگلیس، کمک مالی میرزای قمی و کاشف الغطا به مبارزان و رزمندگان در مبارزه با روس می‌توان اشاره نمود که خود مقاله‌ای مجزا را می‌طلبید.

حوزه و روحانیت در مبارزات از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹

حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) که توانسته بود با نظریه‌پردازی حکومت اسلامی بر اصل ولایت فقیه، به اثبات نامشروع بودن حکومت سلطنتی و لزوم تشکیل حکومت اسلامی بپردازد، با همراهی مردم و روحانیت توانست، قیامی را که از خرداد ۱۳۴۲ آغاز شده بود را در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به نتیجه برساند و ثمره آن جمهوری اسلامی بود.

عوامل نقش‌آفرین در تحقق انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها متفاوت بود. تفاوت‌هایی که ایران به لحاظ فرهنگی با دیگر کشورهای جهان داشت موجب تفاوت عوامل نقش‌آفرین در تحقق انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با سایر انقلاب‌ها شده بود که از آن جمله می‌توان به تفاوت‌های موجود در ارتباط با نقش روحانیت اشاره نمود (هنری لطیف‌پور، ۱۳۸۰: ۷).

روحانیت که قبل از انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف به نقش‌آفرینی و ایفای رسالت دینی خود پرداخته بود و در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران از دوره صفویه به این سو، نقش مرجع و هدایت‌کننده و به جنبش درآوردن مردم را داشت؛ حالا می‌بایست با بستری که فراهم شده و به پیروزی انقلاب رسیده، همین نقش را در تثبیت و پیشبرد انقلاب اسلامی، پررنگ‌تر از قبل ادامه دهد.

تاریخ معاصر ایران در متن خود، آستان دو انقلاب بزرگ بوده که این انقلاب‌ها منشأ بسیاری از تحولات و تغییرات در جامعه ایران بوده است. روحانیت به مثابه یک حزب سیاسی و نهاد قدرتمند اجتماعی، در این تحولات، به‌نوعی نقش داشته و رابطه رجال دین با مقامات دولتی دچار فراز و نشیب‌های فراوانی شده است. طبعاً حضور آنان پس‌از این دو انقلاب یکسان نبوده و دیدگاه‌ها و اندیشه‌های آن‌ها درباره نظام سیاسی و دولت و نیز کارکردشان در هر دوره به‌گونه‌ای متفاوت بوده است. درحالی که پس از انقلاب اسلامی رهبری بلامنازع در دست روحانیان بود، پس از مشروطیت، روحانیان در چنین سطحی قرار نداشتند. روحانیت پس از مشروطه، بنا به شرایط زمانی و اقتضانات خاص خود، با مبارزه مثبت و در برهه‌هایی با مبارزه منفی، به ایفای نقش خود پرداخت. اما با وقوع انقلاب اسلامی و پس‌از آن، روحانیان توانستند زمام امور کشور را در دست گیرند و با سازمان‌دهی نوع خاصی از سازوکارهای حکومتی، تحولات سیاسی را اداره کنند و در این زمینه، با شکل‌دهی به رویکردها و رهیافت‌های گوناگون، در حفظ و تداوم و مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نقش و توانایی‌های خود را به منصفه ظهور برسانند. روشن است که رهبری روحانیت در وضعیت کنونی و گذشت سه دهه حضور روحانیت در عرصه سیاست، معلول سنت و گذشته سیاسی جامعه ایران است (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

بعد از انقلاب، روحانیت توانست به‌خوبی وارد عرصه‌های علمی و فرهنگی کشور شود و در لابه‌لای عرصه‌های مختلف تاریخی، بهترین فرصت را برای شیوع و گسترش فرهنگ دینی به دست آورد. بعد از

انقلاب اسلامی روحانیت با حضور خود در مراکز فرهنگی، اجرایی، مقابله با جبهه ضداقلاب، مستکبرین، ناهنجاریهای اجتماعی، تصویب قوانین و اصول عزت‌آفرین، توجه دادن مردم به فرهنگ خودی و خویشتن باوری، مبارزه با سرمایه‌داران و ثروت‌اندوزان، دفاع قهرمانانه از مرزها جغرافیایی کشور، مقابله با تجزیه‌طلبان، شرکت فعال در هشت سال دفاع مقدس، حضور قوی در مجامع بین‌المللی تبیین و تشریح اسلام و برنامه‌های جمهوری اسلامی و ... در تثبیت انقلاب اسلامی و استقلال و عزتمندی کشور ایران و اعتلای کلمه حق، نقش محوری و غیرقابل‌انکاری داشته است و از ابتدا در سنگرهای مختلف فرهنگی به مرزبانی از آن پرداخته و در این راستا به نتایج و آثار پر بار و مفیدی نیز دست‌یافته است (امیری و همکاران، ۱۳۹۷).

انقلاب اسلامی ایران باراده و خواست روحانیان مبارز شیعه، به رهبری امام خمینی (ره) که نقش پیش‌گامی، هدایت‌گری و بسیج‌کنندگی توده‌ها را بر عهده داشته است و با نصرت الهی به پیروزی رسید. آنان با عزمی راسخ تحولی بنیادین در دولت و جامعه را طلب کردند و با مبارزه‌ای قاطع علیه رژیم طاغوتی پهلوی برای تحقق ارزش‌های اسلامی، زندان، شکنجه، شهادت، تبعید و انواع محرومیت‌ها را به جان خریدند؛ یعنی اگر اراده روحانیت انقلابی و مبارز شیعه، به رهبری امام خمینی (ره) برای ایجاد انقلاب نبود، انقلابی در این برهه از تاریخ ایران تحقق نمی‌یافت (مظفری، آیت، ۱۳۹۴).

هرچند امروزه جریان‌ها، گروه‌ها و افراد مختلفی هستند که سعی می‌کنند نقش روحانیت در انقلاب اسلامی را کتمان و یا حداقل ناچیز جلوه بدهند، اما واقعیت امر این است که روحانیت در جریان مبارزات انقلاب اسلامی نقش بی‌بدیلی را ایفا نمودند. همین تلاش معاندان و دشمنان در کتمان نقش روحانیت در انقلاب موجب شد که رهبر معظم انقلاب در سال‌های نخست انقلاب در خنثی کردن این توطئه چنین بگویند: «نقش روحانیون در این انقلاب، نقش غیرقابل‌انکاری است و هیچ‌کس هم تاکنون این نقش را انکار نکرده است، البته برای انکار کردن دیر نشده است! دست‌های تحریف در جای‌جای تاریخ ما از اول تا حال دخالت و اعمال نظر و اعمال نفوذ کرده‌اند. و این قضیه هم هیچ بعید نیست که روزی یک عده آدم‌هایی پیدا بشوند، بنویسند و بگویند که جامعه علمی اسلامی و روحانیت اسلام در این انقلاب نقش و تأثیری نداشته‌اند.» (سخنرانی رهبر معظم انقلاب ۱۳۶۳/۲/۱۷) از این‌روی می‌توان نقش روحانیت در این برهه را در چند محور بررسی کرد.

الف) رهبری انقلاب بعد از پیروزی

رهبری امام و همراهی روحانیت و عالمان دینی با ایشان، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نقش تعیین‌کننده و نشان‌دهنده عظمت جایگاه علماء و نخبگان روحانی در بین عوام و خواص بوده و هست. امام خمینی (رحمه الله علیه) به‌عنوان یک مرجع تقلید هدایت و راهبری نهضت عظیم اسلامی ملت ایران را به عهده گرفت و روحانیت مبارز که حاکمیت دین خدا را تکلیف شرعی می‌دانستند و در این راه؛ دستگیری، زندان، شکنجه، آزار و اذیت و شهادت را در قبل از انقلاب به جان خریده بودند، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم از هیچ کاری در امر تثبیت و تداوم انقلاب فروگذاری نکردند. استاد مطهری که خود از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی بود، پس از ملاقات با امام خمینی (رحمه الله علیه) در نوفل لوشاتوی پاریس، در سال ۱۳۵۷ از روحیه‌ی خلل‌ناپذیر امام چنین می‌گوید: در سفری که به پاریس رفتم، چیزهایی از روحیه این مرد کشف کردم که نه‌تنها بر ایمان من، بلکه بر حیرت من افزود. وقتی برگشتم رفقا پرسیدند: چه دیدی؟ گفتم چهار تا امن دیدم «امن بدهنده» به هدفش ایمان دارد. «امن بسبیل» به راهی که برای هدف خودش انتخاب کرده، ایمان دارد. «امن بقومه» من دیدم در همه رفقا و دوستانی که من سراغ دارم احدی به اندازه این مرد به روحیه مردم ایران ایمان ندارد و از همه بالاتر «امن بره» (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۳۲).

ب) استفاده مطلوب از تبلیغ سنتی و مدرن

از اقدام‌های مهم روحانیت برای تثبیت و پیشبرد انقلاب اسلامی، استفاده مناسب از رسانه‌های سنتی و مدرن بود. باوجوداینکه در عصر انقلاب رسانه‌های مدرن نظیر رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات و ... بیشتر تحت نظر غیر انقلابیون بود اما روحانیت در کنار رسانه‌های سنتی مانند منبر و محراب، مسجد، حسینیه و تکایا، از این رسانه‌ها نیز برای رساندن پیام انقلاب استفاده کردند. ناگفته نماند که استفاده از وسایلی همچون ضبطصوت و نوار کاست یکی از ابزارهای کاربردی قبل از انقلاب بود؛ چنانچه یکی از محققین خارجی، که به واکاوی نقش روحانیت در به‌کارگیری کانال‌های سنتی و تأثیر آن در پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته بود، می‌نویسد: «شاه ایران ... سرمایه‌گذاری سنگینی روی وسایل ارتباط جمعی انجام داده بود، به‌طوری‌که صد درصد جمعیت کشور در مناطق کوهستانی به رادیو گوش می‌دادند و هفتاد درصد آنان از تلویزیون استفاده می‌کردند... مخالفت با شاه به‌وسیله‌ی شبکه‌های غیررسمی توسط ۲۰۰ هزار رهبر مذهبی و ۹۰ هزار مسجد سازمان‌دهی شد. درحالی‌که آیت‌الله خمینی (رحمه الله علیه) و دیگر رهبران مذهبی به خارج تبعید شده بودند؛ اما پیام‌های آیت‌الله به شکل کاست، به دست پیروانش ارسال می‌شد. پیام‌های او پس از پخش از ضبطصوت، چاپ و زیراکس می‌شد. در انقلاب اسلامی ایران در حقیقت، مردم با هم برخورد نداشتند؛ بلکه برخورد بین رسانه‌های بزرگ در برابر رسانه‌های کوچک‌تر بود که سرانجام، رسانه‌های کوچک پیروز شدند» (جعفری چمازکتی، ۱۳۷۴).

ج) تبیین ایدئولوژی اسلامی

انقلاب اسلامی مانند هر انقلاب دیگری دارای ایدئولوژی فراگیر بود که بیش از هر عامل دیگری بر دین استوار بود. امام و علمایی همچون شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید مفتح که از توانایی و سطح علمی و فقهی بالاتری برخوردار بودند، به همراه برخی از روشنفکران مذهبی در این زمینه نقش ایفاء نمودند، هرچند نقش روحانیون جلوه دیگری داشت. عمده‌ترین فعالیت امام در این زمینه، تدریس و تألیف کتاب «ولایت‌فقیه» بود که در آن ایدئولوژی انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی مطرح و راه مبارزه برای رسیدن به آن جامعه آرمانی بیان شده بود.

استاد مطهری نیز که فلسفه و ایدئولوژی اسلامی را به‌خوبی فراگرفته و از منتقدین اصلی سایر ایدئولوژی‌ها به شمار می‌رفت در کنار شهید بهشتی که به‌عنوان متفکر و سازمان دهنده انقلاب محسوب می‌شد، نقش مهمی در شکل‌دهی فکری و علمی انقلاب اسلامی داشتند. همچنین شهید مفتح پس از امام و شهیدان مطهری و بهشتی، از جمله روحانیون فعالی بود که برای عرضه و گسترش یک ایدئولوژی انقلابی مبتنی بر اسلام، تلاش فراوانی در محیط‌های دانشگاهی و حوزوی نمود و نقش بسزایی در وحدت این دو نهاد تأثیرگذار یعنی حوزه و دانشگاه داشت.

حوزه و روحانیت در مبارزات در دوره دفاع مقدس

جایگاه حوزه و روحانیت در دفاع مقدس

نقش سطوح مختلف حوزه و روحانیت در دفاع مقدس در محورهای زیادی قابل‌بررسی است که رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) به‌عنوان یک فقیه جامع‌الشرایط مهم‌ترین محور آن است.

جایگاه رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه)

نقش امام خمینی (رحمه الله علیه) به‌عنوان رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی، محوری‌ترین نقش در دفاع مقدس بود. رهبری و فرماندهی‌ای که نشئت گرفته از فرماندهی پیامبر صلی‌الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم‌السلام در حکومت بر دل‌ها بود. امام با نگرشی معنوی، قوای روحی و معنوی ملت را برای آفریدن حماسه پرشکوه و شگفت‌انگیز دفاع مقدس بسیج کرد و جبهه را به دانشگاهی تبدیل نمود که انسان‌ها در دو بعد نظامی و معنوی تربیت می‌شدند.

یکی از برجسته‌ترین عوامل پیروزی رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس را می‌توان رهبری شخصیت الهی و معنوی امام خمینی (رحمه الله علیه) دانست چراکه مردم و رزمندگان اسلام به شکل وصف‌ناپذیری به امام عشق می‌ورزیدند و وی را باور داشتند و این باور باعث تقویت ارزش‌های معنوی‌شان شده بود. شاید به‌جرئت بتوان گفت که چنین هنری فقط از انبیا و اولیای الهی و جانشینان بر حق آن‌ها ساخته است که در هشت سال دفاع مقدس به‌وضوح قابل مشاهده بود.

امام در آن مرحله حساس جنگ در جایگاه فرماندهی کل قوا قرار گرفت و مبارزه‌ای را نه با رژیم بعث عراق که با کل جهان استکبار رهبری نمود؛ اما او با ایمان راسخ و با الهام از فرهنگ غنی اهل بیت علیهم السلام و با هوش و ذکاوت خدادادی، این مبارزه را به سرانجام و پیروزی رساند. امام شخصیتی جامع در بعد علمی و عملی بود که با بهره‌گیری از فرهنگ حسینی و مهدوی مسیر عزت و سربلندی را به ملت آموخت. و چنین شد که مردم با تمام وجود به فرمان و تحت ولایتش بودند و با این ولایت‌پذیری، عظیم‌ترین حماسه‌ها را آفریدند و آزمون سخت هشت سال دفاع مقدس را با عزت و پیروزمندانه پشت سر گذاشتند.

مقام معظم رهبری (دام‌الله) درباره ویژگی‌ها و فرماندهی و رهبری امام در جنگ چنین می‌گوید: « غیر از دوران پیامبر، فرماندهی کل قوای عارف و حکیم و عاشق و الهی در دنیا سراغ نداریم ... ما در هیچ جای دنیا، نه امروز و نه در گذشته، نیروی نظامی‌ای را سراغ نداریم که تحت فرماندهی انسانی معنوی و الهی و عارف و دارای رقیق‌ترین احساسات بشری و درعین حال با قاطعیت و صلاحیتی که هیچ فرماندهی در دنیا از آن برخوردار نیست به حراست و دفاع از ناموس و حیات شرافتمندانه ملت در مقابل تجاوزگران بپردازد.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷: ۳۳-۳۴).

از دیدگاه عرفانی و معنوی امام خمینی (ره)، جنگ با کفر یک امتحان و یک تکلیف الهی است که هم کشته شدن و هم پیروز شدن، پیروزی است و این اعتقاد در بین رزمندگان نهادینه شده بود.

جایگاه حوزه و روحانیت

هشت سال دفاع مقدس از جمله میادین جهادی بود که حوزه علمیه و نهاد روحانیت در خلق فضای معنوی و روحانی آن و ظفرمندی رزمندگان اسلام نقش پررنگی داشت. روحانیت علاوه بر رهبری با حضور خویش در جبهه‌ها ثابت نمود که در وقت رزم نیز دوشادوش رزمندگان در میدان حضور دارند و در سختی‌ها، رزمندگان را همراهی می‌کنند و همسو و هماهنگ با مجاهدان مخلص، حماسه می‌آفریند. حضور آنان در عرصه‌های خط مقدم و پشتیبانی از جنگ در همان روزهای آغازین حمله عراق کمک بسزایی در مقاومت مردم داشت که در موارد ذیل قابل بررسی می‌باشد.

الف) بسیج نمودن مردم

از آنجاکه فصل مشترک میان مردم و روحانیون، دین می‌باشد در بیشتر جنبش‌های معاصر ایران، علماء و روحانیت نقش کلیدی در آگاهی دادن به توده‌های مسلمان و بسیج آنان در مقابل دشمنان داشته‌اند که تحریم تنباکو و تقابل با امتیازهای ننگین و ده‌ها رویداد دیگر، حکایت از این دارد.

امام خمینی (ره) که به‌خوبی با این ظرفیت آشنا بود با دستور تشکیل ارتش بیست‌میلیونی «بسیج» و تصویب آن در دی‌ماه ۱۳۵۹، آحاد مردم را به صحنه آورد تا خود را در دفاع از کشور مسئول بدانند و نیروهای مسلح را در این رویارویی یاری نمایند.

روحانیت که در همراهی با امام خمینی (ره)، با بیان فلسفه قیام عاشورا و نهضت امام حسین (علیه‌السلام) و تطبیق شرایط سیاسی دوران ستم‌شاهی، در بیدار شدن مردم و حرکتشان در راستای قیام آن امام و بالطبع پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشتند این بار نیز با شروع جنگ تحمیلی با پیوند زدن نهضت امام حسین (علیه‌السلام)، با شرایط و مقتضیات زمانه خود به بسیج مردم برای اعزام به مناطق جنگی و مقاومت در برابر دشمن و جلوگیری از اشغال کشور توسط دشمنان به میدان آمده و با این اقدام به مقاومت کمک شایانی کردند.

ب) استفاده از ظرفیت مساجد

مسجد از زمان پیامبر صلی‌الله علیه در زندگی مسلمانان نقش بسیار مهم و محوری داشته به‌طوری‌که این مکان مقدس، در نظام اجتماعی مسلمانان جایگاهی برای همه فعالیت‌های دینی مذهبی و عبادی و اجتماعی به‌حساب می‌آمد.

به دلیل ماهیت سیاسی دین اسلام، مسجد به‌عنوان کانون و محور فعالیت‌های دینی، سیاسی و اجتماعی نقش مهمی در تاریخ پرفرازونشیب اسلام داشته است (هنری لطیف‌پور، ۱۳۸۰: ۱۵۶) به‌طور کلی مسجد نماد فعالیت فکری، معنوی، مذهبی و سیاسی و عمدتاً پایگاهی برای درخواست مشارکت سیاسی یا براندازی حکومت اسلامی بوده است (سینایی، ۱۳۷۵). روحانیت نیز از تمام ظرفیت این پایگاه الهی در پشتیبانی مادی و معنوی جبهه‌ها استفاده نمود و در واقع مساجد، پایگاه اصلی مردمی برای امر جنگ شده بود.

ج) ایجاد روح شجاعت

وجود این خصلت در رهبری و فرماندهی و بالطبع در روحانیت مبارز که دوشادوش امام حرکت می‌کردند، عامل ترغیب مردم و نیروهای رزمی به مبارزه و پیروزی بر دشمن به‌حساب می‌آمد. امام به‌عنوان رهبری الهی که پشتوانه‌اش ایمان به یاری خداوند در حد اعلائی خود بود با چنین ایمانی توانست از دشمن نترسد و انقلاب و جنگ را به‌پیش برد، چنانکه یکی از عالمان در مورد شجاعت امام

چنین می‌گوید: «او ترس را ترساند که به دل‌های اولیای الهی راه نیابد... او هرگز نترسید و نترسانید» (شاهجویی، ۱۳۸۴: ۳۱).

امام هنگامی که حامیان دشمن بعضی برای لشکرکشی و حضور در منطقه خلیج فارس مهیا می‌شدند فرمود: «شما خیال می‌کنید که حالا هم مثل سابق است که در خلیج فارس و در همه‌جا یک کلمه می‌گفتید تمام می‌شد قضیه؟!» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۴۲) و یا هنگامی که آمریکا ناوهای جنگی خود را برای حمایت از رژیم بعث عراق به خلیج فارس گسیل داشت و مسئولان نظام در این باره نظر امام را جویا شدند، امام با شجاعت تمام فرمودند: «اگر من بودم با ورود اولین ناو آمریکایی به خلیج فارس آن را هدف قرار می‌دادم» (ستوده، ۱۳۸۸) و رزمندگان با عمل به نظر امام پیروز منطقه شدند. علما و روحانیت هم که حضوری پررنگ در جنگ داشتند با حضور خود در میدان نبرد و دادن جانشان این روح را در مردم دمیدند و با عملشان توانستند آن را در مردم تقویت نمایند.

تقویت روح ایمان

ایمان محکم و اعتقاد راسخ به وعده الهی توسط امام و روحانیت باعث تقویت روحیه رزمندگان در صحنه‌های سخت جنگ می‌شد که این را می‌توان بالأخص در دستورات و بیانات امام و روحانیت در میدان مشاهده نمود. به‌عنوان مثال زمانی که هواپیماهای عراقی در روزهای آغازین جنگ به کشور حمله کرده بودند امام با سخنان خود موجب آرامش مسئولان و فرماندهان می‌شوند و در زمانی که فرماندهان، کار جنگ را سخت می‌بیند خدمت امام رسیده و امام با این سخن که شما پیروزید موجب تقویت روحیه رزمندگان و پیروزی آن‌ها می‌شوند که نمونه‌اش در والفجر ۸ است (شاهجویی، ۱۳۸۴).

قاطعیت امام در هفته آغازین جنگ که نیروهای نظامی و مردم این اسلحه و تجهیزات نظامی لازم را نداشتند افرادی در رسیدن تجهیزات کارشکنی می‌کردند امام با قاطعیت به این مسئله ورود پیدا کرده و چنین فرمان می‌دهد: «به قوای نظامی اخطار می‌کند که با کمال جدیت و بدون فوت وقت، سازوبرگ جنگی را که بحمدالله در حد کافی در اختیار دارید در اختیار رزمندگان، چه قوای مسلح و چه سایر جوانان فداکار گذاشته و کوچک‌ترین مسامحه را جایز ندانید» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۷۲).

زمانی که شهر سوسنگرد محاصره می‌شود امام با قطعیت می‌گوید تا فردا باید سوسنگرد آزاد شود و می‌شود در حصر آبادان چنین پیام می‌دهند: «من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود. و [هشدار] می‌دهم به پاسداران، قوای انتظامی و فرماندهان قوای انتظامی که باید این حصر شکسته بشود؛ مسامحه نشود در آن، حتماً باید شکسته بشود. فکر این نباشند که ما اگر این‌ها هم آمدند، بیرونشان می‌کنیم. اگر این‌ها آمدند، خسارات بر ما وارد می‌کنند. نگذارند این‌ها بیایند در آبادان وارد بشوند. از خرمشهر این‌ها را بیرون بکنند. حال تهاجمی بگیرند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۳۳).

زمانی که پناه در محاصره قرار می‌گیرد امام پیام می‌دهد: «به دولت و ارتش و ژاندارمری اخطار می‌کنم اگر با توپ و تانک‌ها و قوای مجهز تا ۴۲ ساعت دیگر حرکت به سوی پناه نشود من همه را مسئول می‌دانم» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۸۵) ورود امام باعث آزادسازی شهرها می‌شود و وقتی بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت با خیانت‌های مکرر باعث اختلال در روند جنگ می‌شود امام با عزل بنی‌صدر از فرماندهی نیروهای مسلح، راه را برای پیروزی رزمندگان اسلام هموار می‌کند.

مقام معظم رهبری که در روزهای آغازین جنگ تحمیلی نماینده امام در شورای عالی دفاع بودند با حضور خود در میدان جنگ، باعث گره‌گشایی در مسائل جنگ و تقویت روحیه فرماندهان و رزمندگان می‌شود. شرکت ایشان در جنگ‌های نامنظم، عهده‌دار بودن نمایندگی حضرت امام در شورای عالی دفاع، ریاست جمهوری و رئیس شورای عالی دفاع، از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت رزمندگان در میدان نبرد بود. ایشان با نقش‌آفرینی در میدان نبرد، در همان ابتدای جنگ، گروه جنگ‌های نامنظم را با شهید چمران تشکیل داده و با طراحی و فرماندهی عملیات و رفع موانع رزمی و پشتیبانی جبهه‌های غرب و جنوب به کمک رزمندگان شتافته و با مقابله کردن با کارشکنی‌های بنی‌صدر به پیشرفت جنگ کمک شایانی می‌کند و در پشت میدان نبرد، با گزارش جنگ به مردم در نماز جمعه و سخنرانی‌های روشنگرانه، مشارکت مردم را در جنگ تقویت می‌کند.

اولین حضور ایشان در جنگ تنها چند روز بعد از آغاز جنگ بود که خود در خاطراتش چنین می‌نویسد: «همان شب اول، عملیات رفتیم. وضع بسیار بد بود و ما آن شب تا صبح نخوابیدیم. بعد با شهید چمران و چند نفر دیگر برای عملیات نفوذ رفتیم ...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵: ۱۸). ایشان در سال ۱۳۵۹ در جبهه غرب حضور یافته و وقتی از وضعیت سخت مریوان مطلع می‌شود در زیر باران توپ ۱۳۰ دشمن و خمپاره‌های ضدانقلاب در شهر مریوان حاضر شده و پس از ملاقات با فرماندهان و مسئولان شهر به سمت ارتفاعات خور سلطان که مشرف بر مرز عراق است حرکت کرده و بعد از آن به محور دیزلی که آن‌هم زیر توپخانه دشمن است می‌رود و از نزدیک با بچه‌های خط مقدم دیدار می‌کند.

در حصر آبادان نیز نقش‌آفرینی کرده و زمانی که بنی‌صدر و همفکرانش در آغاز جنگ، خوزستان را از دست‌رفته قلمداد می‌کردند و حضور نیروها را در خرم‌آباد و ارتفاعات زاگرس پیشنهاد می‌کنند، ایشان معتقد به مقاومت و ماندن رزمندگان در این شهرها بودند و حضور رزمندگان در شهرهای خرمشهر و آبادان را با دقت پیگیری می‌کردند که با مقاومت نیروهای سپاه و بسیج و انجام عملیات توسط گروه جنگ‌های نامنظم و انجام عملیات ثامن‌الائمه علیه‌السلام حصر آبادان شکسته می‌شود و برتری دیدگاه مقاومت به اثبات می‌رسد. زمانی که سوسنگرد برای بار دوم در محاصره قرار گرفته و در معرض سقوط قرار می‌گیرد با اقدام به‌موقع ایشان و مقابله با دستور خائنه بنی‌صدر در لغو عملیات نیروهای مسلح، از سقوط دوباره سوسنگرد جلوگیری می‌کنند و در شکستن حصر آبادان با حمایت قاطع از رزمندگان اسلام و ایستادن مقابل دستورات خائنه بنی‌صدر موجب پیروزی رزمندگان اسلام می‌شود. بعد از ریاست

جمهوری هم لحظه‌ای از حمایت‌هایش دست برنمی‌دارند و تا آخر جنگ همراه رزمندگان با قوت تمام می‌مانند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، وبسایت).

مشروعیت دادن به جنگ

جنگ تحمیلی، مظهر دفاع مشروع ملت مسلمان ایران در مقابل زورگویی قدرت‌های استکباری دنیا بود. مراجع عظام تقلید با سخنان و رهنمودهای خود مشروعیت این دفاع را تأیید کرده و حضور گسترده و مستمر اقدار مختلف مردم را در جبهه‌ها رقم زدند. بیان سخنان حضرات آیات عظام؛ گلپایگانی اراکی، بهاء‌الدینی درباره دفاعی و جهادی بودن جنگ تحمیلی در ذیل، گواه صادقی بر این ادعاست.

آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی: «در این مواقع که بشارت پیروزی رزمندگان فداکار و نیروهای مسلح اسلام، قلوب مسلمین را مسرور ساخته‌اند، با تقدیر و تجلیل از رشادت و مردانگی و جانبازی‌های آن‌ها در جهاد فی سبیل الله و دفاع از نوامیس مسلمین و مرزهای اسلام که الحق باعث افتخار و سرافرازی شده است و با مسألت پیروزی کامل اسلام و کفر و استکبار...» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۷/۷: ۲).

آیت‌الله‌العظمی اراکی: «نظریه من هم مثل آقای خمینی است. آقای خمینی و همه علما نظرشان این است که هرگاه اسلام در خطر باشد باید تمام مسلمان‌ها در مقام دفاع برآیند؛ هر کس که می‌تواند در این عصر و زمان، دول خارجه تماماً دست‌به‌دست هم داده و می‌خواهند اسلام را سرنگون کنند و به‌کلی کلمه اسلام را از میان بردارند. جنگ هم همان دفاع است و پاسداران هم همان جنگجوها هستند که از این حقیقت اسلام حمایت می‌کنند و همه‌شان مؤید و منصورند. انشاءالله» (امام خمینی، ۱۳۶۳: ۱۵).

آیت‌الله‌العظمی بهاء‌الدینی: «استقلال و آزادی کشور چه درزمینه نظامی درزمینه فرهنگی و چه درزمینه اقتصادی وابسته به پیروزی در این جنگ است. خداوند متعال کمک کند که هر چه زودتر با توان رزمندگان اسلام این پیروزی به دست بیاید و استقلال و آزادی کشور بیمه کرده است. بعد از پیروزی در این جهاد اصغر، ما می‌مانیم و جهاد اکبرمان. پیروزی در این جهاد، مقدمه بر این می‌شود که ما به فکر استقلال و آزادی نفوس خود بیفتیم و فکری به حال خودمان نکنیم (اسدی، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

تشویق مردم به حضور و مقاومت در جبهه

روحانیت به‌عنوان پرچم‌دار حرکت‌های انقلابی بیشترین نقش را در حضور مردم در صحنه‌های مبارزه ایفا کرده است آن‌گونه که حضرت امام معتقد بود: «این روحانیت بودند که مردم را بسیج کردند و مردم متحول شدند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴۲۷).

تشویق مردم و دمیدن روحیه استقامت در مشکلات ناشی از جنگ و دادن امید و اطمینان به تحقق وعده‌های الهی و حضور خود در میدان نبرد، در زمره نقش روحانیت در حماسه دفاع مقدس است. نقشی که روحانیت با پیروی از امام راحل عهده‌دار آن بود. چنانچه امام در این باره به ایشان می‌فرماید:

«روحانیون در شهرها باید روح شهامت و شجاعت و شهادت را در کالبد مردم ما بدمند که بحمدالله دمیده شده است» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۴۴).

همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «شما در نمازهای جمعه در جماعات سایر آقایان در جماعاتشان در جمعاً تشان مردم را اطمینان بدهند که پیروزی هست برای شما. مردم هم بحمدالله حاضرند در صحنه... آن چیزی که بسیار مورد توجه آقایان باید باشد این است که مردم را ارشاد کنید، مردم را اطمینان بدهید که پیروز هستید و خدای تبارک و تعالی وعده‌اش تخلف ندارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۴۲۷).

زمانی که جنگ شروع شده و مردم مقاوم آبادان زیر آتش شدید دشمن بود عده‌ای از مردم که توان جنگیدن نداشتند از شهر خارج شدند و بسیاری از جوانان متدین و انقلابی داوطلبانه در شهر ماندند و جنگیدند تا اماکن حساس شهر را نگه دارند. در آن شدت جنگ تنها صدایی که مردم شهر را به ایستادگی در برابر دشمن یعنی فرامی‌خواند رادیو نفت آبادان بود که با برد مناسب در زیر آتش توپخانه دشمن دائماً برنامه داشت و بخش زیادی از این برنامه، پیام‌های عربی و فارسی «حجت‌الاسلام‌والمسلمین جمی» امام‌جمعه محترم آبادان بود که دائماً روح مقاومت و جهاد را در جان مدافعان شهر می‌دمید. امام‌جمعه آبادان در کلامی کوتاه علت حضور همیشگی خود در آبادان را به‌رغم حصر آبادان چنین بیان می‌کند: «ماندن در آبادان وظیفه‌ای بود که احساس می‌کردم وجودم برای رزمندگان مایه دلگرمی است. در آن موقع با اینکه آثار شکست ظاهر بود هر روز یا یک روز در میان برای مردم و رزمندگان پیام رادیویی می‌فرستادم و با تذکر این نکته که جنگ ما جنگ اسلام و کفر است و کفر مسلط بر ایمان نخواهد شد به مردم وعده پیروزی داده و آن‌ها را امیدوار می‌نمودم» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲۵).

بی‌شک برگزاری نماز جمعه آبادان به امامت حجت‌الاسلام‌والمسلمین جمعی، از مظاهر تشویق مردم به استقامت در جنگ بود. یکی از چیزهایی که مردم آبادان در آن روز به آن افتخار می‌کردند برگزاری نماز جمعه و امام‌جمعه‌اش بود که باین‌حال که برادر امام‌جمعه در شهر به شهادت رسیده و منزلش مورد اصابت گلوله قرار گرفته و خانواده‌اش به‌ناچار از شهر خارج شده و چندین بار اطراف محل نماز جمعه مورد اثابت گلوله‌های توپ و خمپاره قرار گرفته بود حاضر نشد در سخت‌ترین شرایط، لحظه‌ای آبادان مقاوم و برگزاری نماز جمعه را که گاه نمازگزاران، سه چهار صفت بیشتر نبودند ترک کند.

شهید بزرگوار حجت‌الاسلام میثمی مسئول نمایندگی امام در قرارگاه خاتم‌الانبیا در زمره روحانیونی بود که بایان و عمل، در تشویق مردم به حضور در جبهه‌های جنگ بسیار مؤثر بود. او بر این باور بود که برای تداوم استقامت ملت بزرگ ایران دو مرحله را باید پیمود:

یک: باید جنگ را همگانی کرد آحاد مردم و سازمان‌های دولتی را فعال نمود و در یک سازماندهی درست مردم و سازمان‌ها را متولی بخش‌هایی از دفاع مقدس نمود.

دو: به هنگام حملات موشکی و هوایی به مناطق مسکونی، برای خنثی کردن توطئه‌های دشمنان، باید با ایجاد روحیه شهادت‌طلبی در مردم آن را محکم و استوار در صحنه نگه داشت (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲۵).

او با اولویت حضور مستمر در صحنه‌های دفاع مقدس، از پذیرش هرگونه مسئولیتی امتناع می‌ورزید و می‌گفت: «خدا را شکر که یک لحظه به این فکر نیافتاده‌ام که مسئولیت‌هایی را که پشت جبهه به من پیشنهاد می‌کنند قبول کنم و جبهه را خالی کنم. از خدا خواسته‌ام که چنین تصویری هم به ذهن من نیاید» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲۵).

تقویت روحیه فرماندهان

فرماندهان دفاع مقدس که جایگاه ویژه‌ای در هدایت و پیروزی‌های جنگ به عهده داشتند انسان‌های فداکار، ایثارگر و مؤمنی بودند که به جسم‌ها فرمان نمی‌داندند بلکه بر دل‌های رزمندگان حکومت می‌کردند. آنان همواره خود را تشنگان کوثر زلال علوم و معارف دین می‌دانستند که گاه سخنان عالمان دین و حضورشان در خطوط مقدم و همراهی و همگامی با فرماندهان دلسوز، مشکلات، بن‌بست‌ها و شکست‌ها را از نزدیک درک نموده و در مواقع بسیار حساس با استعانت از یک آیه و قرائت یک حدیث و ... فرماندهان را از فشارهای روحی ناشی از مشکلات شرایط پیش‌آمده در صحنه نبرد خارج کرده و موجب تقویت روحیه آنان شدند.

نقل است یک‌بار یکی از فرماندهانی که درگیر سخت‌ترین پاتک‌های دشمن بود برای ارائه گزارش و هماهنگی و تصمیم‌گیری به قرارگاه آمده داده بود. وقتی که می‌خواست برگردد شهید میثمی آهسته به او گفت: مهمان نمی‌خواهی؟ آن فرمانده نیز گفت: با کمال میل. سپس آن شهید وسایلش را برداشت و با آن فرمانده به منطقه پاتک دشمن رفت تا در کنار او و نیروهایش موجب تقویت روحیه رزمندگان شود. (محدثی، ۱۳۶۶: ۹۶).

سردار سرلشکر صفوی درباره نقش شهید حجت‌الاسلام ردانی پور در تقویت روحیه رزمی فرماندهان دلاور اسلام در عملیات طریق القدس می‌گوید: «برای بررسی مشکلات عملیات طریق القدس در منطقه کرخه جلسه مشترک فرماندهان سپاه و ارتش تشکیل شد. در آن جلسه برادران ارتشی که از پاتک شدید دشمن دچار مصائبی شده بودند با ناراحتی و نگرانی به اظهار وضعیت خود پرداختند. در همین موقع شهید ردانی پور با استفاده از آیات و روایات و احادیث نمونه‌هایی را ارائه کرد و نتیجه گرفت و نتیجه گرفت که خداوند ما را در این بلاها و مصائب می‌سنجد و می‌آزماید.

به این ترتیب سخنرانی‌ای کرد که خدا گواه است تغییر روحیه عجیبی در برادران به وجود آمد. بعد از آن عزاداری و دعا را شروع کرد. خوب به یاد دارم که فرمانده لشکر ۹۲ هنوز می‌گوید من از ارادتمندان برادر رسانی پور هستم، این شخص مرا دگرگون و منقلب کرد؛ ایشان در روحیه دادن به فرماندهان همان قدر که بسیجی‌ها مؤثر بود، تأثیر داشت.» (پیام انقلاب، ش ۹۳، شهریور ۱۳۶۲: ۷۴).

حضور روحانیون و همراهی با فرماندهان در شب‌های عملیات و بروز رشادت‌ها از مواردی است که در عمل موجب تقویت روحیه فرماندهان جنگ می‌شد.

تقویت روح مقاومت در زمان اسارت

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نقش‌آفرینی علما و روحانیون در دفاع مقدس ایام اسارت است که علمای بزرگواری چون سید آزادگان حجت‌الاسلام علی‌اکبر ابوترابی با در کنار رزمندگان بودن در اردوگاه‌های دشمن، هم‌النیام‌بخش دردهای آنان بوده و سعی می‌کردند تا روحیه انقلابی و مقاومتی آنان تضعیف نشده و هم در برابر ناملایمات اسارت و از طرفی فعالیت شدید منافقین در اردوگاه‌ها بر ضد ارزش‌های دینی و انقلابی، تاب آورده و به توانشان خدش‌های وارد نشود که ذکر خاطرات آزادگان از ایشان گویای این نقش مهم می‌باشد.

نقش بزرگان حوزه در دفاع مقدس

علما بنا بر وظیفه ذاتی خود در دفاع از دین و نظام اسلامی که بازوی اجرایی دستورات دین است و با عنایت به تأکید امام خمینی (رحمه الله علیه)، حضور خود را در جبهه‌ها فرض دانسته و با حضور تبلیغی و رزمی در کنار فرماندهان و رزمندگان موجب تقویت روحیه رزمی این عزیزان می‌شدند. امام که با این مهم واقفند در اهمیت این حضور چنین می‌فرمایند: «مسئله فقه به همان نحوی که مشایخ درست کرده‌اند باید محفوظ بماند، لکن الان که ایران به واسطه گرفتاری‌ها، به اهل علم احتیاج دارند، اگرچه به‌طور موقت، آقایان باید به خدمت‌هایشان ادامه دهند و درست است که تحصیل فقه در اولویت است اما همه اینها به خاطر حفظ اسلام است و امروز اگر برای حفظ اسلام احتیاج باشد که آقایان به جبهه بروند و رزمندگان را تشویق بنمایند، باید این کار را انجام می‌دهند» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۰۱).

عالمان دین که جبهه اسلام را در برابر کفر می‌دیدند از هیچ کمکی دریغ نکرده و بعضاً خود در میدان نبرد حاضر می‌شدند که جا دارد به حضور بعضی از این بزرگوار در میدان جنگ پرداخته شود:

آیت‌الله سید اسدالله مدنی (رحمه الله علیه)

اولین شهید محراب آیت‌الله سید اسدالله مدنی امام جمعه تبریز و نماینده حضرت امام در آذربایجان شرقی در دومین سال جنگ عازم جبهه شد و در جبهه‌های ایلام، کرمانشاه و اهواز حضور می‌یابد و از هیچ کوششی در کمک به رزمندگان اسلام دریغ نمی‌ورزد. گاه برای تقویت روحیه و شادابی رزمندگان هفته‌ها

در کنارشان می‌ماند و با شرکت در مجالس دعا و نیایش مشوق بسیجیان می‌شود. گاه برای ارج نهادن به زحمات مجاهدان، در انتظار عمومی بر دستان سرباز ارتشی که با مسلسل سنگین، هواپیمای متجاوز دشمن را در غذای شهر تبریز سرنگون ساخته بود، به‌عنوان نماینده امام، بوسه می‌زند و کمال تواضع را که از عرفان الهی و اخلاق پسندیده خدای اش بر می‌خواست به نمایش می‌گذارد. (عباس‌زاده، ۱۳۸۰: ۹۹-۹۸).

گاه برای حل مشکلات جبهه از جمله زمانی که رزمندگان در سوسنگرد محاصره شده‌اند و بنی‌صدر خیانت‌پیشه و عواملش هیچ اعتنایی به وضعیت محاصره نمی‌کند بی‌درنگ نزد امام رفته و چاره اندیشید که حضرت امام بلافاصله با قطعیت فرمان شکسته شدن محاصره سوسنگرد را صادر کرد. (عباس‌زاده، ۱۳۸۰: ۹۹-۹۸).

آیت‌الله اشرفی اصفهانی (رحمه الله علیه)

چهارمین شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی امام‌جمعه کرمانشاه و نماینده حضرت امام در آن استان، روحانی وارسته ۸۰ ساله که با شور و اشتیاق فراوان عازم جبهه‌های غرب و جنوب می‌شود چنین می‌گوید: «بر همه ما فرض و لازم است یا برویم به جبهه‌ها و با دشمن بجنگیم و یا در پشت جبهه جهاد با مال کنیم». روح لطیفش با حضور در جبهه‌ها نشاط دیگری می‌گرفت و می‌گفت: «وقتی به جبهه می‌روم تا مدتی رو روحیه‌ام قوی می‌شود. قدرت خدا در جبهه‌هاست، هر کس می‌خواهد خدا و دست خدا را ببیند به جبهه‌ها برود» (اشرفی اصفهانی، ۱۳۶۲: ۹۹).

آیت‌الله اشرفی در راه خدمت به رزمندگان خستگی‌ناپذیر بود و هنگامی که در برنامه روزانه‌اش، ساعتی را برای استراحتش منظور می‌شود اعتراض می‌کند که چرا برای این ساعت من برنامه گذاشتید و وقتی گفته می‌شود شما به استراحت نیاز دارید پاسخ می‌دهد: «امروز جای استراحت نیست مگر نمی‌بینید امام دائماً صحبت می‌کنند و پیام می‌فرستند و لحظه‌ای استراحت ندارند» (اشرفی اصفهانی، ۱۳۶۲: ۹۹).

صبح روز عملیات مسلم بن عقیل، نزدیک طلوع آفتاب، عده‌ای از نمایندگان مشغول نماز و دعا بودند، ناگهان یک گلوله توپ در چندم‌تری محل استقرار شهید اشرفی اصابت می‌کند و یک خودرو آتش می‌گیرد. فرماندهان حاضر در منطقه پیام دادند منطقه شناسایی شده و هر لحظه احتمال خطر هست لذا باید ایشان سریع منطقه را ترک کنند اما آن شهید عزیز در جواب می‌فرمایند: «من از این محل نمی‌روم و آماده هرگونه مسئله‌ای هستم؛ زیرا خون من رنگین‌تر و جان من عزیزتر از این عزیزان رزمنده نیست، من باید تا پایان عملیات اینجا باشم» (اشرفی اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۰۴).

ایشان شیفته رزمندگان بود و با توجهی کم‌نظیر آنان را به جنگ و جهاد ترغیب می‌نمود. در عیادت از مجروحان بسیار مقید بود آنان را در آغوش می‌کشید و دست آنان و هر رزمنده‌ای را به این عنوان که

نماینده امام است و امام دست رزمندگان را می‌بوسد، بوسه می‌زد و این عمل را برای خود افتخار می‌دانست (اشرفی اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۰۶-۱۰۷).

آیت‌الله اشرفی با ذکر توسل به خاندان رسالت در جمع رزمندگان آنان را در فضای معنوی و عرفانی خاصی قرار می‌داد. این مهم گاه با نامگذاری رمز یک عملیات و گاه با بیان کلام و معنوی به دست می‌آمد. پیش از عملیات ظفرمند فتح المبین، شهید اشرفی به سپهبد شهید صیاد شیرازی پیشنهاد کرد که این عملیات را با رمز حضرت زهرا شروع کنند؛ پیشنهاد ایشان پذیرفته شد و چنین کردند (اشرفی اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۰۶-۱۰۷).

ایشان شب عملیات مسلم بن عقیل در منطقه سومار، پس از اقامه نماز جماعت، بخشی از دعای کمیل را خواند. منظره عجیبی بود، رزمندگان به شدت می‌گریستند و قطرات باران هم آنان را نوازش می‌کرد؛ در بین دعا آن شهید عزیز خطاب به رزمندگان گفت: «بوی مشک فضا را گرفته است. نمی‌دانم شما هم احساس می‌کنید بوی خوشی که فضا را پر کرده، از قدم امام زمان عج‌الله است و به‌طور قطعی و مسلم امام عصر در این محل تشریف دارند!» (محراب خونین باختران، محمد اشرفی اصفهانی، ص ۱۰۴) شاید بتوان گفت که شهید اشرفی اصفهانی بیش از سایر عالمان حوزه علمیه در مناطق جنگی حضور خستگی‌ناپذیر داشته است. چهار سفر به جبهه‌های ایلام، سه بازدید از قصر شیرین و پادگان ابوذر، یک‌بار عزیمت به گیلان غرب و یک‌بار برای بازگشایی این شهر، یک سفر به قصر شیرین پس از آزادی، یک‌بار بازدید از نوسود و حضور در بستان و خرمشهر پس از آزادی این دو شهر، مجموع دفعاتی است که این شهید عزیز با شور و شغف وصف‌ناپذیری در جمع مدافعان میهن اسلامی حاضر شدند.

حضرت امام درباره ایشان می‌گویند: «او در جبهه دفاع از حق از جمله اشخاصی بود که مایه دلگرمی جوانان مجاهد بود و از مصادیق بارز رجالُ صَدَقُوا ما عَاهَدُوا اللهُ عَلَيْهِ بود» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵۰).

آیت‌الله بهاء‌الدینی (رحمه الله علیه)

فقیه فرزانه‌ای که موردعلاقه رزمندگان بود. او که عارفی فرزانه بود با حضور خود در بین آن چشمه‌های رحمت الهی را برایشان تفسیر می‌کرد و با عمل، اخلاق می‌آموخت حضور ایشان در قرارگاه عملیاتی و شرکت در جلسه‌ای که فرمان حمله والفجر مقدماتی صادر و در انتخاب نام حمله با ایشان مشورت شد، برای فرماندهان ارتش و سپاه خاطره ماندگار و لحظه‌های جاودانه بود.

بینش الهی ایشان موجب شده بود که هرگاه یکی از رزمندگان اسلام در حسینیه اذان و اقامه می‌گفت در مورد آن رزمنده بفرماید: «جملات اذان و اقامه از جان او برمی‌خیزد و با تمام اعتقاد اذان می‌گوید». علاقه قلبی آیت‌الله بهاء‌الدینی به مسائل جبهه و جنگ به حدی بود که در هر فرصتی و به مناسبت هر عملیاتی برای سلامتی رزمندگان مجلس توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و دعا برپا می‌کرد و خود نیز بسیار مقید بود که در آن مجلس حضور پیدا کند. (شفیعی و لقمانی، ۱۳۸۴: ۱۲۱ و ۱۲۲) مقام

معظم رهبری به مناسبت رحلت حضرت آیت‌الله‌العظمی بهاء‌الدینی می‌فرمایند: «ایشان پیر مراد جوانان پاکباز جبهه و جنگ در دوران دفاع مقدس و شمع محفل بسیجیان عاشق بود و بارها صفوف میدان جبهه‌ها را با حضور خود نورانیت مضاعف بخشید» (پیام مقام معظم رهبری دام‌ظله به مناسبت رحلت ایشان، مورخ ۲۸ تیر ۱۳۷۶).

آیت‌الله میرزا جواد آقا تهرانی (رحمه الله علیه)

در طول مبارزات اسلامی ملت ایران بر ضد رژیم ستم‌شاهی، مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی از پیشگامان نهضت بود. اطلاعیه‌های انقلابی او به همراه دیگر آیات عظام در مشهد و حضور پی‌گیر او در مراسم راهپیمایی و اعتراض‌ها و تحصن‌ها، از خاطرات فراموش‌نشده وی در روزهای انقلاب در مشهد است. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره از بارزترین چهره‌های حامی انقلاب بود و چندین بار برای دیدن امام خمینی (رحمه الله علیه) در فرصت‌های مختلف به تهران رفت. پشتیبانی‌های مکرر ایشان از نظام جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف و به‌ویژه حضور در جبهه‌های جنگ، در آشکار ساختن حقانیت انقلاب سهم به‌سزایی داشت.

این عالم برجسته و عارف گران‌قدر، در سال‌های آخر زندگی و با همان قد خمیده، چهار بار در جبهه نبرد حاضر شد و لباس بسیجی به تن کرد و از معنویت آنجا سخن می‌گفت. عالمی ۸۰ ساله که مقام معظم رهبری بارها از شور جوانانه ایشان در جبهه‌ها یاد کرده و چنین می‌گویند: «این عالم بزرگوار که پشتش خمیده است یعنی تقریباً به حالت رکوع راه می‌رود و عصابه‌دستش می‌گیرد، به جبهه رفت. قبا را کند و بچه‌های سپاه یکدست لباس بسیجی را به تنش کردند. خود ایشان اظهار علاقه کرده بود که کاری انجام دهد. بچه‌ها ایشان را پای خمپاره ۸۱ گذاشتند و گفتند شما گلوله خمپاره ۸۱ را در این لوله بگذارید.» (باقری فر و فراتی، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۰۹).

آیت‌الله بهشتی (رحمه الله علیه)

شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی که مسئولیت سنگینی در مدیریت کشور به عهده داشت، بارها در جبهه‌های جنگ حضور پیدا می‌کند. آقای سیدعلی بنی‌لوحی از جانبازان عزیز و از رزمندگان دفاع مقدس در مورد دعوت از شهید بهشتی قبل از عملیات «فرمانده کل قوا» برای حضور در منطقه دارخوین می‌گوید: «فهمیدم که آقای بهشتی در اهواز هستند. با (شهید) مصطفی‌رسانی پور برای دیدار و دعوت از ایشان راه افتادیم. با هر دردمسری بود آقای بهشتی را در یک ساختمان قدیمی پیدا کردیم که پس از کارهای روزانه، ساعتی در آنجا مستقر شده بودند. برادران وقتی فهمیدند از دارخوین آمده‌ایم سخت نگرفتند و ما وارد اتاقی شدید، اتاق کوچکی در انتهای یک راهرو. آقای بهشتی با پیراهن سفید بلندی، در کنار اتاق دراز کشیده و درحالی‌که سر را روی بازوی خود گذاشته بودند، استراحت می‌کردند. با ورود ما که با

سروصدا همراه بود، ایشان از خواب بیدار شدند. ما از اینکه در این حالت مزاحم شده بودیم خجالت کشیدیم، اما رسیده و نرسیده محو جمال دوست‌داشتنی این روحانی بزرگ شدیم، اولین نگاه با محبت و لبخندی بر لب‌های مبارک همراه بود. پشت سر ما چند خبرنگار و عکاس هم وارد اتاق شدند. آقا با همان لبخند و برخورد خوش گفتند: خواهش می‌کنم عکس نیندازید تا من لباس بپوشم. قبا و عمامه چهره مظلوم انقلاب را برای ما آشنا تر کرد. «مصطفی ردانی پور» را از قم می‌شناختند و به واسطه او، مرا هم تحویل گرفتند. آن‌چنان سلام و احوال‌پرسی می‌کردند که انگار سال‌هاست ما را می‌شناسند و از نزدیک ارتباط داریم. مصطفی توضیح داد که عملیاتی در دارخوین انجام خواهد شد و شما تشریف بیاورید و برای بچه‌ها صحبت کنید. آقای بهشتی گفتند: وقت من پُر است و باید برای امور قضایی به شهر بهبهان بروم ولی علی‌رغم اینکه مقید به نظم هستم چاره‌ای ندارم جز اینکه همه کارها و برنامه‌ها را تغییر بدهم و به دارخوین بیایم. باور کردنی نبود. به همین راحتی پذیرفتند. آقای بهشتی از جای برخاستند. مصطفی پیش‌دستی کرد و عبای ایشان را برداشت. آقای بهشتی بدون تعارف اجازه دادند آقا مصطفی عبا را بر شانه‌های ایشان ببندد. آیت‌الله بهشتی به طرف در اتاق حرکت کردند مثل اینکه زمین زیر گام‌های استوار آن روحانی بزرگ می‌لرزید. قامتی بلند و سیمایی نورانی داشت که همه از دیدنش به وجد آمده بودند. دقایقی بعد با جیب آهویی که داشتیم روی جاده دارخوین بودیم...» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۷).

آیت الله شاه آبادی (رحمه الله علیه)

فعالیت سیاسی وی پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شروع شد. چندین مرحله توسط مأموران طاغوت دستگیر شد که از این میان ۵ بار اسیر زندان‌های مخوف رژیم گشته و یک بار هم تبعید شد. اداره بیت امام هنگام استقبال از امام، نقش ویژه شهید بود که بسیار حساس و قابل توجه است. ابلاغ و اعلام فرمان امام مبنی بر لغو حکومت نظامی در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ به مردم نقش دیگر شهید بود که به‌همراه شهید مطهری، اقدام کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله شاه‌آبادی در آغاز دوره اول مجلس شورای اسلامی به‌عنوان کاندیدای مشترک جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی و دیگر گروه‌های اسلامی بود که با رأی بالای مردم تهران به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب شد و طی ۴ سال خدمت در این سنگر، اثرات عمیقی از خود به جای گذاشت. ایشان در کمیسیون قضایی، یک عضو صاحب‌نظر فعال بود و در دوره دوم نیز با کسب ۱,۵ برابر بیشتر رأی، به نمایندگی مجلس انتخاب شد و همین دلیل بر افزایش محبوبیت او در بین مردم بود.

نمایندگی امام در بنیاد مستضعفان از سال ۱۳۵۹ و همکاری با اوقاف و امور خیریه از فعالیت‌های قابل توجه جانبی دیگر آیت‌الله شاه‌آبادی بود. در طول مدت دفاع مقدس و جنگ تحمیلی بارها در

فرصت‌های به دست آمده در جمع رزمندگان اسلام در جبهه‌ها حضور می‌یافت تا روحیه بخش آنان باشد. به قدری در برابر رزمندگان اسلام خاضع بود که می‌گفت: «من احساس حقارت می‌کنم از اینکه رزمندگان ما این همه ایثار می‌کنند و ما در برابر آنان کاری نمی‌توانیم بکنیم» (استادزاده، حوزه علمیه شهید شاه‌آبادی، صص ۱۹۸ و ۱۹۳) بالاخره در واپسین مرحله‌ای که از مناطق جنگی جنوب بازدید می‌کرد، در منطقه عملیاتی جزیره مجنون و در بین رزمندگان حاضر شد که بر اثر انفجار گلوله توپ و اصابت ترکش در ششم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۳ درحالی که در جمع رزمندگان اسلام حضور داشت به شهادت رسید.

آیت‌الله قاضی دزفولی (رحمه الله علیه)

آیت‌الله قاضی در طول دوران زندگی خود همواره با رژیم پهلوی در حال مبارزه بود، پس از قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ که منجر به دستگیری و تبعید امام خمینی (رحمه الله علیه) شد به اتفاق تعداد زیادی از علمای دزفول در اعتراض به این عمل، به مدت ۳۵ روز حوزه علمیه و مساجد دزفول را تعطیل کرد و بیانیه‌های افشاگرانه‌ای علیه رژیم طاغوت منتشر کرد و در تلگراف شدیدالحنی با امضای جمعی از علما به دربار ارسال کرد و به دربار چنین هشدار داد: «چنانچه یک تار مو از سر حاج آقا روح‌الله خمینی (رحمه الله علیه) کم شود، ما تاج و تخت تو را به باد خواهیم داد.»

وی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به امر امام خمینی (رحمه الله علیه) نخستین نماز جمعه را با شکوه خاصی در دزفول اقامه کرد. آیت‌الله قاضی امام‌جمعه دزفول در زمره راست‌قامتانی است که به‌رغم کهولت سن و اصابت پیاپی توپ و موشک‌های دشمن بعثی به دزفول در طول سال‌های دفاع مقدس هیچ‌گاه سنگر مقاومت و الگوی پایداری را ترک نکرد و چون کوهی استوار پابرجا ماند. مقام معظم رهبری که از نزدیک شاهد خصایص عالی مرحوم قاضی بود می‌فرماید: «من شهادت می‌دهم که کمتر فردی را به شجاعت پشتکار استقامت و اراده قوی در کار با توجه به وضعیت جسمی و کهولت سن مرحوم آیت‌الله قاضی دیده‌ام. شخصیت ایشان در حقیقت احیاء کننده خوزستان و حافظ بقای دزفول و استان خوزستان است. در زمان حملات تجاوزکارانه موشکی عراق به جبهه حضور ایشان در منطقه باعث تقویت روحیه و قوت قلب مردم دزفول برای ابراز هرچه بیشتر شجاعت و از خودگذشتگی بود و ایشان اسطوره پایداری و مقاومت بودند.» (روزنامه جمهوری، مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۹: ۱۲).

ایشان عشق زیادی به رزمندگان اسلام داشت و از آنان بوی بهشت را استشمام می‌کرد و مقید بود به هنگام حرکت بسیجیان به سوی جبهه تا آنجا که بنیه جسمانی‌اش اجازه می‌دهد پشت سر آنان راه برود و آنان را بدرقه کند. یک‌بار که مردم به ایشان توصیه کردند که شما به جهت سن بالا و ضعف جسمی پشت سر رزمندگان حرکت نکنید و استراحت نمایید پاسخ می‌دهد: «من دوست دارم پشت سر بسیجی‌ها راه بروم تا خاکی که از راه رفتن آن‌ها بلند می‌شود به سر و روی من بنشیند بلکه خدا به خاطر

خاک‌پای این بسیجی‌ها مرا از آتش جهنم نجات دهد و به بهشت برسد (روزنامه جمهوری، مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۶: ۱۰).

آیت‌الله احمد عابدی

آیت‌الله احمد عابدی روحانی رزمنده‌ای که قبل از انقلاب از مبارزان سیاسی بوده و سابقه دو بار زندان ساواک را در کارنامه مبارزاتی خود دارد. با شروع جنگ درحالی که طلبه درس خارج است با یکی از هم‌مباحثه‌ای‌های خود بنام شهید محمدتقی آقاجانی (محمدی) به جبهه جنوب اعزام می‌شوند و در مناطق جنگی و عملیات جنگ‌های نامنظم شرکت و به درجه جانبازی نائل می‌شوند. با ۹۴ ماه حضور در جبهه و قبول مسئولیت تا فرماندهی تیپ و نماینده امام در قرارگاه نجف اشرف. این ایثارگری‌ها باعث شد تا مقام معظم رهبری دام‌ظله نشان فتح را به ایشان (تنها روحانی دارنده این نشان) عطا فرماید و بعد از جهاد در سنگر علم به فعالیت پرداخته است.

نقش روحانیون در هشت سال دفاع مقدس

مراجع عظام و روحانیون در دفاع مقدس به‌صورت کاملاً فعال و محسوس نقش‌هایی را ایفا نموده‌اند که راهگشای بسیاری از مشکلات و مسائل مربوط به دفاع مقدس بوده است که عبارت‌اند از: نقش فرماندهی در سطوح مختلف؛ خطرپذیری با ایثار و از خودگذشتگی؛ نقش رزمندگی با اخلاص و گمنامی (پذیرفتن مسئولیت و فعالیت رزمی در عملیات خاکی، آبی و هوایی)؛ نقش الگویی، فرهنگی، تبلیغی و آموزشی؛ توانمندی زیاد ایفای نقش در جنگ‌های احتمالی آینده؛ مراجع عظام و روحانیت با بهره‌گیری از تجربیات دفاع مقدس و دارا بودن روحیه مردمی، مقبولیت، اخلاص، ایثار و از خودگذشتگی و سایر امتیازات منحصربه‌فرد در جنگ آینده (آقایی فیروزآبادی و دهقان ده جمالی، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

تفاوت‌هایی که ایران به لحاظ فرهنگی با دیگر کشورهای جهان دارد موجب تفاوت عوامل نقش‌آفرین در تحقق انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها شده است که از آن جمله می‌توان به تفاوت‌های موجود در ارتباط با نقش روحانیت اشاره نمود. روحانیت شیعه قبل از انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف به نقش‌آفرینی و ایفای رسالت خود همت گماشت و حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) توانست با نظریه‌پردازی «حکومت اسلامی» بر پایه «ولایت‌فقیه»، و آگاهی بخشیدن به مردم، قیام ملت برای اقامه حکومت اسلامی را رقم بزند. ایشان با همکاری یاران و همراهان خود و همچنین حضور فراگیر مردم توانستند، قیامی را که از خرداد ۱۳۴۲ آغاز شده بود، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بر پیروزی برسانند که ثمره آن «جمهوری اسلامی» بود.

برای نخستین بار، در پرتو یک حکومت، «جمهوریت و اسلامیت» به صورت نهادینه شده و قاعده‌مند در تاریخ ملت ایران شکل گرفت و روحانیت نیز در این جریان، به پویایی فرهنگی و سیاسی ملت ایران همت گماشت و اندیشه‌هایی چون؛ لزوم مبارزه و مجاهده با بیگانگان برای تحقق استقلال واقعی در جامعه تسری یافت. واقعیت امر این است که روحانیت در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران از دوره صفویه به این سو، نقش مرجع و هدایت‌کننده داشته و تنها گروهی بوده است که توان به جنبش درآوردن توده‌ها را داشته است. همین نقش در شکل‌گیری، پیشبرد و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پررنگ‌تر از قبل به ظهور رسید و همگان اقتدار معنوی و سیاسی این قشر عظیم را به عینه مشاهده کردند.

با شروع جنگ تحمیلی، بهره‌مندی دفاع مقدس از نهاد روحانیت در جبهه و جنگ با خلق فضای معنوی با حضورشان در بین رزمندگان اسلام، مشروعیت دادن به جنگ، تشویق مردم به حضور داوطلبانه در جبهه‌های نبرد و تقویت روحیه فرماندهان در پیروزی رزمندگان بسیار مؤثر بود. روحانیت با ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، جان‌فشانی و فداکاری رزمندگان در راه اسلام و دفاع از کشور را ارج می‌نهادند و به تقویت باورهای دینی رزمندگان کمک می‌کردند. حضور فعال و مؤثر روحانیت در جنگ، اعتماد مردم به روحانیت را افزایش داد و روحانیت با حضور خویش در جبهه‌های نبرد ثابت نمود که در وقت رزم نیز دوشادوش رزمندگان در میدان حضور دارند و در سختی‌ها، رزمندگان را همراهی می‌کنند و همسو و هماهنگ با مجاهدان مخلص، حماسه می‌آفرینند. حضور روحانیت در هشت سال دفاع مقدس، یک پدیده منحصر به فرد و قابل تحسین بود که تأثیرات و دستاوردهای ماندگاری به دنبال داشت.

منابع و مأخذ

- آقای فیروزآبادی، سیدحسین و دهقان ده جمالی، حسن (۱۳۹۷). *مطالعات دفاعی استراتژیک*، ۱۷ (۷۸)، ۵-۳۴.
- اسدی، اکبر (۱۳۸۴). *سلوک معنوی: گفتارها، مصاحبه‌ها و خاطره‌هایی از فقیه وارسته و عارف فرزانه حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی*، نشر پارسیان.
- اشرفی اصفهانی، محمد (۱۳۶۲). *محراب خونین*، انتشارات سروش.
- امام خمینی، روح‌الله (رحمه‌الله) (۱۳۷۰). *صحیفه نور*، جلد دوم، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (رحمه‌الله) (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، مجموعه آثار امام خمینی. مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (رحمه‌الله) (۱۳۸۵). *صحیفه نور*، جلد بیست و یکم، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). *پیام انقلاب*، شماره ۶۹، صفحه ۱۵.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۲). *پیام انقلاب*، شماره ۹۳، صفحه ۷۴.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۳). *پیام انقلاب*، شماره ۱۲۶، صفحه ۱۵.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۳). *پیام انقلاب*، شماره ۱۲۶، دی ۱۳۶۳، صفحه ۱۵.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد، شهرام‌نیا، مسعود و نجات‌پور، مجید (۱۳۹۱). *روحانیت شیعه و مقایسه سه دهه نقش آن پس از مشروطه و پس از انقلاب اسلامی، شیعه‌شناسی*، ۱۰ (۳۹)، ۱۵۳-۱۹۰.
- امیری، اقبال؛ نجفی سلامت، محمدرضا، نظری داراب‌خانی، مهدی (۱۳۹۷). *نقش روحانیت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی، پژوهشنامه اندیشه معاصر*، ۱ (۱)، ۱۱۷-۱۳۴.
- باقری‌فر، علی و فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۹). *حوزه و روحانیت: مسائل آسیب‌ها و کارکردها*، جلد اول، مؤسسه فرهنگی دینم پژوهی بشرا.
- جعفری چمازکنتی، احمد (۱۳۷۴). *نقش ائمه جمعه و جماعات در توسعه ملی*، یاد ایام، ۲ (۱)، ۱.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱). *نبردهای شرق کارون*، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ ششم، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *بنیان مرصوص امام خمینی رحمه الله علیه در بیان و بنان حضرت آیت‌الله جوادی آملی*، انتشارات اسراء.
- حوزه علمیه شاه‌آبادی (۱۳۶۵). *استادزاده: زندگی‌نامه آیت‌الله‌العظمی شاه‌آبادی*، نشر حوزه علمیه شاه‌آبادی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). *حدیث ولایت*، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری دام‌ظله، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- روزنامه جمهوری اسلامی.
- روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۷/۷، ص ۲
- ستوده، امیررضا (۱۳۸۸). *یا به پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی رحمه الله علیه*، نشر پنجره.
- سینایی، حسین (۱۳۷۵). *قابلیت‌های سیاسی شدن مسجد*، روزنامه ایران، ۲ (۴۲۵)، ۶

شاهجویی، محمدامین (۱۳۸۴). *بنیان مرصوص امام خمینی (رحمه الله) در بیان و بنان حضرت آیت‌الله جوادی آملی*، نشر اسراء.

شفیعی، سیدحسن و لقمانی، احمد (۱۳۸۴). *آیت بصیرت، نشر بهشت بینش*.

صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۰). *حوزه و روحانیت، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی*.

عباس زاده، سعید (۱۳۸۰). *شهید مدنی جلوه اخلاص، نشر نورالسجاد*.

ماهنامه پیام انقلاب.

مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا (۱۳۷۵). جلد دوم، تهران نشر عروج.

محدثی، جواد (۱۳۶۶). *شمع محفل خاتم، نشر بسیج منطقه ۳*.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، تهران: نشر صدرا*.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری (آینده انقلاب اسلامی ایران)*، تهران: نشر صدرا.

مظفری، آیت (۱۳۹۴). *نشریه پیام، شماره ۱۱۶*.

معاونت فرهنگی تیپ مستقل امام جعفر صادق علیه‌السلام (۱۳۸۰). *خورشید جبهه*.

هنری لطیف‌پور، یدالله (۱۳۸۰). *فرهنگ شناسی شیعه و انقلاب اسلامی ۵۷-۱۳۴۲*، تهران: انتشارات مرکز اسناد

انقلاب اسلامی.